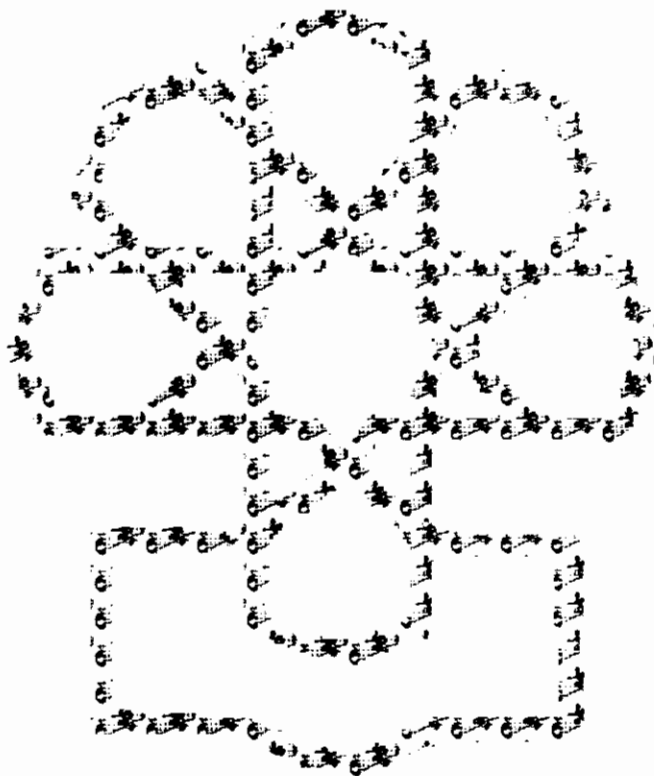


بررسی نقش و اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای



معاونت پژوهشی

بهمن ۱۳۷۷

کار: گروه (۲) خدمات پژوهشی

این گزارش بنا به درخواست جناب آقای حاجی بابایی نماینده محترم مردم همدان در مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین گردیده است.

کد گزارش: ۴۱۰۴۲۹۰

مجلس شورای اسلامی
دوره: ۱۰۳۸۱
شماره: ۷۸ / ۲۵

بسمه تعالی

بررسی نقش و اهمیت آموزش های فنی و حرفه ای

کد گزارش: ۴۱۰۴۲۹۰

براساس گزارش های وزارت کار و امور اجتماعی در حال حاضر بیش از ۲ میلیون نفر بیکار ثبت نام شده در واحدهای کار و امور اجتماعی ثبت نام کرده اند که از این تعداد بیش از ۷۱ درصد فاقد مهارت های فنی و حرفه ای لازم می باشند. از سوی دیگر وجود ۴۵ هزار بیکار با تحصیلات دانشگاهی و قریب ۸۰۰ هزار جوان ۲۰ تا ۳۰ سال با مدرک دیپلم در کشور ضریب آسیب پذیری اجتماعی نیروی کار ما را مسجل می نماید.

براساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۵ تعداد جمعیت غیر فعال کل کشور از نظر اقتصادی ۲۸ میلیون و ۸۲۲ هزار نفر است که از این تعداد ۱۲ میلیون و ۶۳۳ هزار نفر محصل و ۱۳ میلیون و ۱۹۳ هزار نفر خانه دار و یک میلیون و ۲۹۸ هزار نفر دارای درآمد بدون کار و یک میلیون و ۶۹۸ هزار نفر جزو سایرین هستند. بر پایه آمار وزارت کار و امور اجتماعی نیز طی سال های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ بیش از ۸ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر به جمعیت فعال ۱۵ تا ۶۴ سال کشور اضافه شده است. در حالی که فقط ۶ میلیون و ۶۰۰ هزار شغل در این مدت ایجاد شده است.

مجموع آمار فوق گویای آن است که بسترهای اشتغال زا در کشور شناسایی نشده و جوانان در رشته های فنی و حرفه ای دارای مهارت های لازم نیستند. اصلاح این روند بدون شناخت ظرفیت ها و اصلاح روش ها و بهره گیری درست از بسترها امکان پذیر نیست.

نیود برنامه های منسجم در جهت آموزش نیروهای جوان و ایجاد اشتغال مولد برای افراد جویای کار باعث بیکاری ۲۵ درصد از جمعیت جوان کشور در دهه آینده خواهد شد. این در حالی است که به اعتقاد برخی از کارشناسان، بخشی از علل بیکاری موجود ریشه در ناکافی بودن آموزش های لازم در رشته های فنی و حرفه ای دارد. از این رو تعمیم آموزش های فنی و حرفه ای می تواند به عنوان کانون های اشتغال زایی در کشور تلقی شود.

وجود بیکاران فاقد تخصص، اهمیت خدمات آموزش مراکز فنی و حرفه ای را در کشور مورد تأکید قرار می دهد. بهره گیری از آموزش های لازم می تواند ضمن ارتقای کیفی کار در مراکز تولیدی و خدماتی کشور فی نفسه مولد اشتغال هم باشد و این امر با توجه به نامتناسب بودن الگوهای آموزشی موجود در مدارس کشور به صورت یک نیاز جدی تر خود می نمایاند.

آموزش های فنی و حرفه ای ضمن بالا بردن سطح کمی و کیفی و قابلیت های آموزش های کاربردی افزایش توان صنعتی کشور را نیز به دنبال خواهد داشت. زیرا همواره پایین بودن سطح کیفی محصولات تولیدی کشور مانع عمده ای برای ورود به بازارهای بین المللی بوده است که بخش عمده ای از این مشکل ناشی از کمبود نیروی ماهر است.

در شرایطی که مراکز تولیدی کشور و کارخانجات یکی از معضلات حاد و جدی شان کمبود نیروی متخصص و فقدان نیروهای ماهر و آموزش دیده است، سیستم آموزشی کشور نظری و تئوریک و مبتنی بر پایه محفوظات است و اکثریت دیپلمه ها با کار عملی کارگاهی و فنی و حرفه ای بیگانه اند. در این شرایط

ضرورت توسعه و گسترش مراکز فنی و حرفه‌ای در کشور و ارتقای جایگاه آن به عنوان یک نیاز استراتژیک ملی مطرح است.

آنچه مسلم است جایگاه و اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور تعریف نشده است. نه متولیان مراکز فنی و حرفه‌ای و نه متصدیان مراکز تولیدی و خدماتی و نه سیاست‌گذاران آموزشی کشور به تأثیر و نقش و جایگاه تعیین‌کننده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای پی نبرده‌اند. بی‌توجهی به مهارت در فنون و حرفه‌های مختلف در کشور ما بدل به یک معضل فراگیر ملی شده است. طیف فعالان در این مشاغل کسانی هستند که به صورت تجربی جذب شده‌اند و آموزش‌های لازم تعریف شده و منسجمی ندیده‌اند. متأسفانه ترکیب تحصیل و مهارت هیچ‌گاه در این کشور در مقیاس وسیع اتفاق نیفتاده است. فرهنگ مهارت آموزی در فنون مورد نیاز اجتماعی در کشور ما همه‌گیر نشده است. بسیاری از جوانان ترجیح می‌دهند به جای آموزش فنون و حرف و کسب مهارت و تخصص و گذراندن دوره‌های آموزشی، خیلی آسان و بی‌درد سر جذب بازار پر درآمد مشاغل انگلی و غیر تولیدی شوند و شرایط عمومی جامعه هم این الگو را تشویق می‌کند.

سیستم غلط آموزشی و جان‌فقدان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور باعث شده تا بیشتر جوانان ما به جای این که دنبال تخصص بروند در پی گرایش‌های شغلی کم بازده و پر درآمد می‌روند. تئوری زدگی، جزوه‌گرایی، کم توجهی به رشته‌های فنی و کمرنگ بودن گرایش کار دانش در کشور حاصل سیستم غلط آموزشی کشور است.

کم توجهی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فقدان هماهنگی پویا میان سازمان‌های کارایی و واحدهای تولیدی با مراکز فنی و حرفه‌ای و در نظر نگرفتن اولویت‌های ویژه برای دارندگان گواهی‌نامه‌های فنی و حرفه‌ای باعث شده است تا این مراکز بازدهی و تأثیر مطلوب خود را بر جای نگذارند.

در حال حاضر امکانات آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کشور جوابگوی نیاز واحدهای صنعتی نبوده و در راستای برنامه توسعه صنعتی نیز نیست. مراکز فنی و حرفه‌ای قادر به ارائه خدمات و تربیت نیروی ماهر مورد نیاز برنامه‌های توسعه صنایع نیستند. این مراکز از نظر تکنولوژی آموزشی در سطح پایینی قرار داشته و از نظر نیروی انسانی و آموزش‌دهنده و امکانات آموزشی وضعیت مناسبی ندارند. در چنین شرایطی آموزش‌دیدگان مراکز فنی و حرفه‌ای قادر نیستند تا به طور کارا در خدمات نیازهای صنعتی کشور قرار گیرند و از سوی دیگر آموزش‌هایی که در طول دوره‌های آموزشی تحت عنوان آموزش‌های کاربردی فراگرفته‌اند در زندگی حرفه‌ای آنها تأثیر چندانی ندارد.

وجود سیستمی برای آموزش فنی و حرفه‌ای در دل نظام آموزش متوسطه کشور از احساس نیاز به نیروی ماهر سرچشمه گرفته است. اما علت عدم کارایی نیروهای آموزش دیده توسط هنرستان‌ها و سایر مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای را باید در نبود برنامه‌های آموزشی مناسب و امکانات آموزشی مناسب جستجو کرد. با نگاهی به آمار دانش‌آموختگان دوره آموزش متوسطه کشور در می‌یابیم در میان انبوه جوانانی که دوره آموزش متوسطه را به پایان رسانده‌اند، تعداد افرادی که دارای کارایی بوده و قادرند بخشی از نیازهای اساسی و واقعی جامعه را برطرف کنند بسیار اندک است.

تجارب به دست آمده نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان هنرستان‌ها بعد از پایان تحصیلات در برابر بازار کار و پیوستن به حرفه‌های متناسب با آموزش‌هایی که دیده‌اند خود را ناتوان احساس می‌کنند، آنها در

می‌یابند که نسبت به کسانی که هیچ دوره آموزشی را طی نکرده‌اند و تنها براساس تجربه کار می‌کنند دارای توان و کارایی کمتری می‌باشند.

سطح آموزش در هنرستان‌ها در آن حدی نیست که بتواند آینده شغلی دانش‌آموزان این گونه مراکز را تأمین کند.

برای حل معضلات گفته شده باید تجربه و دانش‌های کلاسیک و به عبارت گویاتر به‌ها دادن بیشتر به مهارت‌ها با توجه به نیازهای صنعتی کشور مورد توجه قرار گیرد.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بازوی توانمند و یاری‌دهنده‌ای است که از طریق توانمند کردن نیروی کار به رشد بهره‌وری از منابع و به ویژه توسعه منابع انسانی می‌انجامد. اگر آموزش فنی و حرفه‌ای با کیفیتی بالا گسترش و ارائه شود و بین دست و مغز پیوند ایجاد کرده و کار و دانش با هم واجد ارزش شوند، ارزش‌های نوینی در جامعه مطرح خواهد شد. در این شرایط دامنه وسعت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای گسترده‌تر شده و رشته‌ها و گرایش‌های مهارتی براساس دامنه و تنوع مشاغل مولد جامعه تعیین می‌گردند و به این ترتیب زمینه‌های مساعد برای پاسخ‌گویی به نیازها و علایق افراد و نیز نیازهای واقعی جامعه فراهم می‌شود. کاربردی کردن آموزش‌ها با مکانیسم شناخت و اعطای کامل مهارت به دانش‌آموزان این امکان را فراهم می‌سازد که هم آنها در اثر تسلط و چیرگی قابل قبول برای انجام کار عملی به رضایت شغلی نایل آیند و هم جامعه و بزرگی‌ها و توانمندی‌های مورد انتظار را در نیروی کار مشاهده خواهد کرد.

از طریق آموزش می‌توان آموزش‌هایی را به نسل جوان ارائه داد که به تدریج مشاغل کم‌بازده را به مشاغل مولد تبدیل کند. این نوآوری با جهت‌گیری به سمت آموزش‌های مفید و مولد، نظام آموزشی کشور را از بیماری مزمن فعلی نجات خواهد داد.

ترکیب و ساختار برنامه‌های آموزشی و درسی باید به گونه‌ای باشد که فرد در فرایند مهارت‌آموزی با آموزش، تمرین و تکرار عملی مناسب با نیاز شغلی به سطوح بالای مهارت برسد. همچنین مجموعه دروس عمومی، زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژی را برای پذیرش مهارت‌های جدید و حتی ابداع و خلق آنها در جامعه و نیروی کار باید فراهم سازد.

با تدارک و تهیه برنامه‌های آموزشی و درسی متناسب، متعادل و متنوع در آموزش متوسطه بستر مناسبی برای رشد آموزش‌های علمی - کاربردی فراهم خواهد آمد.

چنانچه اصل کاربردی بودن آموختنی‌ها در برنامه‌های آموزشی و درسی تحقق یابد، فارغ‌التحصیلان هنرستان‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای که از آموزشی مناسب مرتبط و مفید بهره‌مند شده‌اند و توانایی‌ها و قابلیت‌های فنی آنها نیز متناسب با نیاز بخش‌ها و مراکز خدماتی و تولیدی شده است، ستوان فقرات تکنولوژی جامعه را تشکیل خواهند داد.